

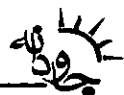
آئین دادرسی مدنی اختصاصی

تألیف

دکتر عبدالحمید مرتضوی

انتشارات جاودانہ

سرشناسه : مرتضوی، عبدالحمید، ۱۳۴۴ -
 عنوان قراردادی : ایران، قوانین و احکام
 عنوان و نام پدیدآور : آیین دادرسی مدنی اختصاصی / عبدالحمید مرتضوی.
 مشخصات نشر : تهران: جاودانه، جنگل، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۳۹۶ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۲۵۳-۰
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
 موضوع : آیین دادرسی مدنی - ایران
 رده‌بندی کنگره : KMH۱۷۱۰/م۴۹ ۱۳۹۲
 رده‌بندی دیویی : ۳۴۷/۵۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۶۱۳۰۰



عنوان کتاب: آیین دادرسی مدنی اختصاصی

تألیف: دکتر عبدالحمید مرتضوی

ناشر: انتشارات جاودانه، جنگل

ناظر فنی: امین لشکری

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۲

قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۵۸-۲۵۳-۰

<http://www.junglepub.org>

[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱۱-۳۲۰۵۰۶۷-۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

فهرست مطالب

مقدمه

فصل اول: دعاوی تجاری ۱

- گفتار اول- الزام به ثبت علایم تجاری ۱
- گفتار دوم- درخواست ابطال تصدیق علامت تجاری یا اعتراض به ثبت علامت تجاری ۲
- گفتار سوم- منع از تولید و استفاده علامت تجاری مشابه علامت خواهان ۷
- مبحث اول- تعاریف ۸
- مبحث دوم- اوصاف علامت ۹
- مبحث سوم- اعتراض به رد اظهارنامه علامت تجاری ۹
- مبحث چهارم- حقوق ناشی از علامت تجاری ۱۱
- مبحث پنجم- ابطال ثبت علامت تجاری ۱۱
- گفتار چهارم- ورشکستگی ۱۴
- گفتار پنجم- الزام به انتقال سهم ۱۸
- گفتار ششم- خروج از شرکت یا تأیید خروج از شرکت ۲۱
- گفتار هفتم- ابطال سهم‌الشرکه ۲۲
- گفتار هشتم- اثبات شرکت و مطالبه سهم‌الشرکه ۲۳
- گفتار نهم- انحلال شرکت ۲۵
- گفتار دهم- ابطال صورتجلسه مجمع عمومی ۲۷
- گفتار یازدهم- استرداد لاشه اسناد تجاری ۲۹
- گفتار دوازدهم- مطالبه وجه اسناد تجاری ۳۰

فصل دوم: دعاوی مربوط به اسناد سجلی ۳۳

- گفتار اول- الزام به تهیه و تنظیم سند سجلی ۳۳
- گفتار دوم- اثبات سیادت یا حذف آن ۳۷
- گفتار سوم- تغییر مندرجات شناسنامه به لحاظ اثبات یا نفی نسب ۴۰
- گفتار چهارم- تغییر نام غیرممنوع ۴۸
- گفتار پنجم- ابطال واقعه فوت ۵۲
- گفتار ششم- اصلاح تاریخ فوت ۵۴

گفتار هفتم- درخواست تغییر سن.....	۵۵
گفتار هشتم- تغییر جنسیت.....	۵۷
گفتار نهم- ابطال شناسنامه و صدور شناسنامه جدید.....	۶۰
فصل سوم: دعاوی مؤجر و مستأجر.....	۶۵
گفتار اول- دعاوی مربوط به تخلیه.....	۶۵
مبحث اول- تخلیه اماکن استیجاری بعد از سال ۱۳۷۶.....	۶۶
مبحث دوم- تخلیه اماکن استیجاری مشمول قوانین قبل از سال ۱۳۷۶.....	۶۷
گفتار دوم- سایر دعاوی مربوط به اجاره.....	۸۹
مبحث اول- تعدیل اجاره بها.....	۸۹
مبحث دوم- مطالبه حق کسب و پیشه.....	۹۱
مبحث سوم- الزام به تنظیم به سند رسمی اجاره.....	۹۴
مبحث چهارم- الزام به تعمیر اساسی مورد اجاره.....	۹۶
مبحث پنجم- الزام خوانده به پرداخت اجور معوقه.....	۹۸
مبحث ششم- ابطال اجاره.....	۹۹
فصل چهارم: دعاوی خانوادگی.....	۱۰۳
گفتار اول- دعاوی زوجین.....	۱۰۶
مبحث اول- طلاق به درخواست زوج.....	۱۰۶
مبحث دوم- طلاق به درخواست زوجه.....	۱۱۰
مبحث سوم- طلاق به درخواست زوجین (طلاق توافقی).....	۱۱۳
مبحث چهارم- ثبت واقعه طلاق.....	۱۱۵
مبحث پنجم- ابطال ثبت واقعه طلاق.....	۱۱۸
مبحث ششم- فسخ نکاح.....	۱۲۰
مبحث هفتم- مطالبه مهریه.....	۱۲۴
مبحث هشتم- مطالبه نفقه زوجه.....	۱۲۶
مبحث نهم- استرداد جهیزیه.....	۱۲۸
مبحث دهم- الزام به تمکین.....	۱۳۱
مبحث یازدهم- ثبت واقعه ازدواج.....	۱۳۴
مبحث دوازدهم- ابطال ثبت واقعه ازدواج.....	۱۳۷
مبحث سیزدهم- ثبت واقعه رجوع.....	۱۴۰
مبحث چهاردهم- تجویز ازدواج مجدد.....	۱۴۲
مبحث پانزدهم- فرزندخواندگی (درخواست سرپرستی طفل).....	۱۴۴
مبحث شانزدهم- تعیین مهرالمثل.....	۱۴۷

۱۴۸	مبحث هفدهم- تعدیل یا تقسیط نفقه
۱۵۰	مبحث هجدهم- اعسار یا تقسیط مهریه
۱۵۲	مبحث نوزدهم- تحویل فرزند
۱۵۴	مبحث بیستم- اهدا جنین
۱۵۷	مبحث بیست و یکم- تعیین تکلیف رابطه زوجیت (الزام خوانده به تهیه مسکن)
۱۵۹	مبحث بیست و دوم- منع اشتغال همسر
۱۶۲	مبحث بیست و سوم- صدور اجازه خروج از کشور
۱۶۳	گفتار دوم- دعاوی مربوط به فرزندان و والدین
۱۶۳	مبحث اول- ثبت واقعه ولادت
۱۶۶	مبحث دوم- مطالبه نفقه فرزند (ویشاوندان سببی در خط مستقیم)
۱۶۹	مبحث سوم- صدور حکم شد
۱۷۰	مبحث چهارم- اثبات یا نفی نسب
۱۷۶	مبحث پنجم- اذن یا اجازه ازدواج دختر باکره
۱۷۸	مبحث ششم- ملاقات طفل
۱۸۱	مبحث هفتم- حضانت یا لغو آن
۱۸۳	فصل پنجم: دعاوی مربوط به ترکه
۱۸۳	گفتار اول- تقسیم ماترک
۱۸۹	گفتار دوم- ابطال تقسیم (ابطال تقسیم‌نامه)
۱۹۲	گفتار سوم- تحریر ترکه
۱۹۴	گفتار چهارم- مهر و موم ترکه
۱۹۷	گفتار پنجم- مطالبه سهم‌الارث
۱۹۸	گفتار ششم- گواهی انحصار وراثت
۱۹۹	گفتار هفتم- اعتراض به گواهی انحصار وراثت
۲۰۰	گفتار هشتم- اخراج ثلث
۲۰۱	گفتار نهم- تصفیه ترکه
۲۰۳	گفتار دهم- برداشتن مهر و موم ترکه
۲۰۳	گفتار یازدهم- رد ترکه
۲۰۴	گفتار دوازدهم- درخواست فروش ماترک
۲۰۷	فصل ششم: دعاوی مربوط به وصیت
۲۰۷	گفتار اول- تنفیذ وصیت‌نامه
۲۱۰	گفتار دوم- ابطال وصیت‌نامه یا رد آن
۲۱۲	گفتار سوم- عزل وصی از وصایت

فصل هفتم: دعاوی مربوط به امور حسبی..... ۲۱۵

۲۱۵	گفتار اول - اثبات حجر.....
۲۱۸	گفتار دوم - رفع حجر.....
۲۱۹	گفتار سوم - نصب یا ضم امین.....
۲۲۱	گفتار چهارم - نصب قیم و ناظر.....
۲۲۳	گفتار پنجم - عزل قیم و نصب قیم جدید.....
۲۲۴	گفتار ششم - تعیین دستمزد قیم.....
۲۲۴	گفتار هفتم - گواهی کفالت.....
۲۲۸	گفتار هشتم - صدور حکم موت فرضی.....
۲۳۰	گفتار نهم - تسلیم اموال غایب به ورثه.....

فصل هشتم: دعاوی مربوط به داوری..... ۲۳۱

۲۳۱	گفتار اول - صدور قرار تأمین خواسته یا دستور موقت.....
۲۳۱	مبحث اول - حقوق داخلی.....
۲۳۲	مبحث دوم - تجارت بین الملل.....
۲۳۲	گفتار دوم - تعیین داور.....
۲۳۲	مبحث اول - حقوق داخلی.....
۲۳۳	مبحث دوم - تجارت بین الملل.....
۲۳۵	گفتار سوم - رسیدگی به جرح داور.....
۲۳۵	مبحث اول - حقوق داخلی.....
۲۳۵	مبحث دوم - تجارت بین الملل.....
۲۳۹	گفتار چهارم - عزل داور.....
۲۳۹	مبحث اول - حقوق داخلی.....
۲۴۰	مبحث دوم - تجارت بین الملل.....
۲۴۱	گفتار پنجم - اعتبار موافقتنامه داوری.....
۲۴۲	مبحث اول - حقوق داخلی.....
۲۴۲	مبحث دوم - تجارت بین الملل.....
۲۴۴	گفتار ششم - اعتراض به رأی داور.....
۲۴۴	مبحث اول - اصلاح رأی.....
۲۴۵	مبحث دوم - تفسیر رأی.....
۲۴۵	مبحث سوم - تکمیل رأی.....
۲۴۵	مبحث چهارم - اعاده دادرسی.....
۲۴۶	مبحث پنجم - درخواست ابطال رأی.....

۲۴۹	گفتار هفتم- درخواست اجرای رأی
۲۴۹	مبحث اول- حقوق داخلی
۲۴۹	مبحث دوم- تجارت بین الملل
۲۵۰	گفتار هشتم- ابلاغ رأی داور
۲۵۰	مبحث اول- حقوق داخلی
۲۵۰	مبحث دوم- تجارت بین الملل
۲۵۰	گفتار نهم- مطالبه حق الزحمه داوری
۲۵۱	مبحث اول- حقوق داخلی
۲۵۱	مبحث دوم- تجارت بین الملل
۲۵۳	فصل نهم: دعاوی ثبتی
۲۵۳	گفتار اول- اصلاح سند
۲۶۰	گفتار دوم- توقیف و ابطال عملیات اجرایی ثبت
۲۶۳	گفتار سوم- الزام به تنظیم سند رسمی ملک
۲۶۷	گفتار چهارم- الزام به تنظیم سند وسیله نقلیه (موتورسیکلت، اتومبیل و کشتی)
۲۶۹	گفتار پنجم- اثبات مالکیت
۲۷۲	گفتار ششم- الزام به افراز املاک مشاع
۲۷۴	گفتار هفتم- الزام به تفکیک
۲۷۷	گفتار هشتم- دستور فروش ملک مشاع
۲۸۰	گفتار نهم- ابطال سند رسمی
۲۸۴	گفتار دهم- دعوی اعتراض به تحدید حدود
۲۸۷	گفتار یازدهم- اعتراض به رأی هیأت صدور اسناد مالکیت در بافت روسا
۲۹۰	گفتار دوازدهم- اعتراض به نظریه هیأت نظارت در ابطال اسناد مالکیت معارض
۲۹۳	گفتار سیزدهم- اعتراض به ثبت ملک
۲۹۵	فصل دهم: اعتراض به آراء هیأت‌ها
۲۹۵	گفتار اول- ابطال نظریه کمیسیون ماده ۱۲ زمین شهری
۲۹۷	گفتار دوم- ابطال رأی هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرمای کار و امور اجتماعی
۲۹۸	گفتار سوم- درخواست صدور اجراییه در مورد رأی هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما
۲۹۹	گفتار چهارم- اعتراض به رأی هیأت هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی
۳۰۳	گفتار پنجم- اعتراض به اعلام ملی بودن اراضی
۳۰۹	گفتار ششم- اعتراض به نظریه شرکت آب منطقه‌ای
۳۱۳	گفتار هفتم- اعتراض به واگذاری اراضی در اجرای طرح‌ها

فصل یازدهم: دعاوی مربوط به وکالت ۳۱۵

- گفتار اول - عزل وکیل ۳۱۵
گفتار دوم - مطالبه حق الوکاله ۳۱۷

فصل دوازدهم: دعاوی ملکی ۳۲۳

- گفتار اول - خلع ید ۳۲۳
گفتار دوم - قلع و قمع مستحدثات ۳۲۸
گفتار سوم - تسلط ید ۳۳۰
گفتار چهارم - رفع تصرف عدوانی ۳۳۲
گفتار پنجم - رفع مزاحمت ۳۳۴
گفتار ششم - اعاده وضع به حال سابق ۳۳۶

فصل سیزدهم: دعاوی مربوط به قراردادها ۳۳۹

- گفتار اول - اثبات بیع ۳۳۹
گفتار دوم - استرداد ثمن ۳۴۰
گفتار سوم - ابطال قرارداد ۳۴۲
گفتار چهارم - ابطال میبایعنامه ۳۴۵
گفتار پنجم - عدم نفوذ معامله ۳۴۸
مبحث اول - انتقال مال غیر ۳۴۹
مبحث دوم - معامله مال مرهونه ۳۴۹
مبحث سوم - عدم نفوذ معامله به قصد فرار از دین ۳۵۰
مبحث چهارم - معامله صغیر ممیز و سقیه ۳۵۱
مبحث پنجم - تسلیم مبیع ۳۵۳
مبحث ششم - مطالبه ثمن ۳۵۵
گفتار ششم - اخذ به شفعه ۳۵۶
گفتار هفتم - الزام به انجام تعهد ۳۵۸
گفتار هشتم - اعلام انفساخ معامله ۳۵۹

فصل چهاردهم: دعاوی بدون دادرسی ۳۶۳

- گفتار اول - دعوی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی ۳۶۳
گفتار دوم - تأمین دلیل ۳۶۵
گفتار سوم - درخواست گزارش اصلاحی ۳۷۰
گفتار چهارم - توقیف عملیات اجرایی ۳۷۲
گفتار پنجم - ابطال اجرائیه ۳۷۶
منابع و مأخذ ۳۷۹

شاید زمانی که آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و به دنبال آن جانشین و بدل حقیقی مصوب ۱۳۷۹ آن به رشته تحریر و سپس به تصویب درمی آمد، هیچ کس نمی دانست چرا مقنن فصلی جداگانه را به دعاوی مربوط به تصرف عدوانی اختصاص داده است. این ابهام در مورد سایر بخش های این قانون نیز هنوز باقی است. دلیل وضع دستور موقت در ماده ۳۱۰ که در انتهای قانون می باشد در حالی که درخواست دستور موقت عموماً در ابتدای طرح دعوی صورت می گیرد و جای آن عموماً در ابتدای قانون است. صرف نظر از اینکه تفکیک آن از تأمین خواسته در حالی که هر دو از امور فوری می باشند و از لحاظ محل وضع کاملاً غیرقابل توجیه است. با وجود غیرقابل توجیه بودن ذکر دعاوی ثالث در قانون آیین دادرسی مدنی در صورتی که اگر در نظر بود به قواعد اختصاصی آنها پرداخته شود لزوم ذکر ارکان تمام دعاوی خواسته ای منطقی است. در هر حال با نگاه مثبت به اقدام صورت پذیرفته، همین امر موجب بروز جرقه در ذهن می شود که در واقع مقنن خواسته به طور اختصاصی به آیین دادرسی دعاوی مزبور بپردازد. به همین دلیل تصمیم گرفته شد تا از همین تفکر نه چندان روشن مقنن درباره تمام دعاوی به کار گرفته شود. شاید پنجره ای به سوی آیین دادرسی همه دعاوی موجود در کشور گشوده شود. یعنی آیین دادرسی مدنی اختصاصی برای هر دعوی به طور خاص و نامی که برای این کتاب انتخاب شد.

آغاز کار برمی گردد به سال ۷۷ که موارد فوق به همراه نگارش برخی از کتب توجه نگارنده را به خودکرد.

تدوین حقوق جزای اختصاصی از سوی مؤلفین در کنار جزای عمومی و با الهام از قانون مجازات اسلامی و نگارش کتب قواعد اختصاصی قراردادهای تحت عنوان عقود معین، همراه قواعد عمومی قراردادهای، با توجه به شیوه اقدام مقنن در قانون مدنی، که جای خالی کتاب قواعد اختصاصی دادرسی مدنی را در کنار قواعد عمومی آیین دادرسی مدنی، کاملاً آشکار ساخت و ضرورت نگارش این کتاب را نیز نمایان می سازد. با بررسی اولیه و جستجو در قوانین، ابتدا با نگاه به قوانین به نظر می رسید، که حدود ۱۱۰ عنوان دعوی حقوقی در محاکم، قابل طرح باشد. بر همین اساس و توجه به نیاز، برای کارآموزان وکالت و مشاوره حقوقی سال ۸۰ و

کارآموزان قضایی که آموزش دادگستری کل استان تربیت و آموزش آنان را آغاز و تعلیم برخی از مباحث از جمله آیین دادرسی مدنی، حقوق مدنی و تجارت به نگارنده واگذار شده بود، جزوهای تحت عنوان "مسیر دعاوی و رسیدگی به آنها با توجه به قانون مدنی و سایر قوانین" با شرح ارکان هر دعوی با معین و تعداد جلساتی که دادگاه باید برای رسیدگی به هر یک از آنها صرف می‌کرد، تهیه و در دوره‌های آموزشی علمی دانشگاهی و عملی قضایی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

مطالعات تکمیلی و توجه به عناوین دعاوی تهیه شده توسط واحد فن‌آوری اطلاعات قوه قضاییه، بحث مورد کنکاش بیشتری قرار گرفت و در نشست‌های علمی متعدد طرح گشت. از طرفی ملاحظه شد که در آموزش دانشجویان پزشکی از شیوه‌ای استفاده می‌شود که در آن تمام علایم مشخص یک بیماری برای دانشجویان رشته پزشکی بیان و سپس نوع بیماری براساس علایم بیان شده تعیین می‌گردد. بر همین اساس دانشجویان پزشکی و پزشکان به هنگام مراجعه بیمار براساس علایم، حالات و آثاری که بیمار اعلام می‌نماید به تعیین و تشخیص بیماری می‌پردازند. سردرد، سرگیجه، سرفه و آبریزش بینی را به سرماخوردگی تعبیر، برای آن دارو تجویز می‌نمایند.

در حقوق مراجعین به حقوق‌دانان، به‌ویژه وکلاء و قضات مبتلایان به بیماری حقوقی هستند، که صرفاً علایم بیماری حقوقی خود را به زبان غیرحقوقی خود بیان، نه اطلاعاتی از حقوق و اصطلاحات حقوقی دارند و نه چنین انتظاری از آنان وجود دارد. آنان مسایل و مشکلات حقوقی را به بیان عامیانه، غیرحقوقی و به همان صورتی که واقع شده بیان می‌دارند. شاکی مراجعه‌کننده به وکیل یا قاضی بیان می‌دارد، شخصی وارد زمین کشاورزی وی شده، اقدام به شیار زمین کرده، با دادوپیداد کرده مرا از ملک بیرون کرده است و مانع از ورود به ملک می‌گردد. آیا نمی‌توان همانند علوم پزشکی از شرح حال بیان شده به نوع بیماری حقوقی دست یافت. این همان سؤالی بود که لزوم تهیه ارکان سازنده هر دعوی را به‌عنوان شرح حال مبتلایان به هر بیماری حقوقی ضروری می‌نمود. که با کمک آن حقوق‌دان با استماع این سخن و علایم بیان شده با توجه به ارکان هر دعوی، و در مثال مطروحه با توجه به مالکیت خواهان و تصرف با قهر و غلبه خوانده و با تطبیق عمل بر ماده ۳۰۷ قانون مدنی برای وی دعوی خلع‌ید را تجویز می‌کند و در صورتی که بخواهد به صورت اورژانسی به قضیه بپردازد، به ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و تصرف عدوانی جزایی هدایت خواهد کرد.

لذا کار حقوق‌دان در این قضایا شبیه به کار پزشکان در بیماری جسمی است. لیکن در امور پزشکی با تلاش دانشمندان مربوط برای تمام بیماری‌ها شرح حال مربوط که دلالت بر بیماری

معین می‌نماید به نگارش درآمده و در دوران تحصیلی آموزش داده می‌شود، در حالی که در امور حقوقی شرح حال بیماری حقوقی (ارکان هر دعوی) تا کنون توصیف نشده است. برای تعیین آن که در این کار تا حدودی و در حد توان بدان پرداخته می‌شود، سؤالاتی طرح و بدان پاسخ داده می‌شود.

چه شخصی می‌تواند خواهان دعوی معینی باشد، خوانده آن دعوی کیست، در چه مرجعی و با چه دلیلی طرح می‌شود، محاکم به دنبال چه ارکانی در اثبات ادعای خواهان هستند و بالأخره چه نوع تصمیمی اتخاذ خواهند نمود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که حداقل ۴۰۰ عنوان دعوی مدنی در کشور وجود دارد که برای هر یک می‌توان آیین دادرسی مدنی جداگانه‌ای نوشت. البته در این نوشتار تمام دعاوی موضوع بحث واقع نشده و همین امر از نواقص کار نیز می‌باشد. به هر صورت بدون هیچ دلیل ترجیحی، دعاوی انتخاب، آیین دادرسی اختصاصی آن به نگارش درآمده است. برای اینکه شیوه تصمیم‌گیری برای پژوهشگران ملموس‌تر گردد، نمونه‌ای از رأی صادره در هر مورد بدون ارزیابی خود رأی از مجموع آرای قضات دادستری بعضاً از طریق پایگاه‌های الکترونیکی یا کتب منتشره و یا آراء در اختیار، انتخاب و با تغییر یا حذف مشخصاتی که از افشاء هویت واقعی اشخاص حتی‌الامکان جلوگیری شود، در انتهای بحث هر دعوی، قرار داده شد.

با توجه به نوع کار مراجعه هم‌زمان به قوانین ماهوی و قوانین شکلی ضرورت داشت. همین ترتیب در مراجعه به کتب نیز وجود داشت. از یک‌سو باید به کتبی که در ماهیت مطالب را بیان می‌کردند، مانند کتب حقوق مدنی، تجارت و ثبتی از یک‌سو، و کتب آیین دادرسی به‌ویژه آیین دادرسی مدنی از سوی دیگر باید مورد توجه قرار می‌گرفت. تا با ارتباط با این دو دسته علوم حقوقی؛ به نتیجه فعلی دست یافت. که منجر به تولید علم بین رشته‌ای در حقوق شود. این شیوه اقدام و تلاش جهت تمام کردن سریع کار، نگارش، ویرایش و انتخاب و بعضاً اصلاح اغلاط تایپی آراء متناسب با موضوع هر دعوی، حتی تایپ کتاب که تمام آن نیز توسط نگارنده صورت گرفته است.

تجربه نوشتن کتاب حقوق تعهدات که در آن، نوع تعهدات در تمامی تعهدات قابل تصور تعیین شده و کتاب قواعد عمومی قراردادها که در آن به تعیین شرط خلاف مقتضای ذات عقد در تمام عقود اقدام شده کمک کار مناسبی بود. در دوره‌های متعدد آموزشی سعی شد از نظر فرهیختگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی و قضات نیز استفاده گردد، شاید آغازی سریع برای اختتام طولانی، آینده‌دار و هدفمند لاقلاً از سوی سایر نویسندگان و فراهم شدن زمینه تشحیذ ذهن و نقد اساتید و خوانندگان از یک‌سو و کمک کاری برای اهل علم و عمل از سوی دیگر باشد.

با وجود طی همه این مراحل به لحاظ ویژگی ذاتی انسان در احتمال ارتکاب خطا و به ویژه نگارنده و انتہانپذیری دانش، خصوصاً علم حقوق، وجود اشکال در این کار از چشمان نویسندگان مغفول مانده که با جان و دل مورد استقبال واقع خواهد شد. پیشاپیش از همکاری تمامی عزیزان که به هر نحو با نوشته، آراء و فکر خود موجب بهتر شدن کار شده‌اند، تقدیر و تشکر می‌نماید و به حقوق معنوی همگی آنها احترام می‌گذارد.

تمام تلاش برای ارائه یک کار خوب آن را بی‌عیب نکرده، تا از منظر صاحب‌نظران طرح و به رفع آن اقدام گردد. قطعاً آیندگان با نگاه عمیق‌تر و با دسته‌بندی مطالب به شیوه‌های متفاوت و با افزودن عناوین جدید کار را تکمیل و ایراد وارد بر مؤلف را جبران خواهند نمود.

بدین ترتیب، مطالب در چند فصل و با عناوین معین و با مباحث متعدد به نگارش درآمده است. در هر مبحث و ذیل هر دعوی، با الهام از ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی و آنچه که در ابتدای مقدمه بیان شد، به مهمترین ارکان هر دعوی، یعنی خواسته که عنوان دعوی را تشکیل می‌دهد، طرفین یعنی خواهان و خوانده، مرجع صالح به رسیدگی، ارکان دعوی و مستند قانونی مربوط بیان شده و در پایان هر مبحث نیز یک نمونه رأی نیز قرار داده شده است.

مرتضوی

پاییز ۹۱